

## سازوکارهای مبارزه با مفسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه السلام)

سید محمد حسین سرکشیکیان

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۵

### چکیده

نظام حکومتی و تدابیر حقوقی امام علی (ع) به دلیل شخصیت خردمدار امام و نیز قلمروی گسترده و متکثر تحت حاکمیت ایشان - که تا پیش از زمامداری امام به انواع جرایم و انحرافات اجتماعی و اقتصادی آلوده شده بود - می‌تواند الگوی مناسبی جهت برنامه ریزی در راستای اولویت بخشی، کنترل و یا کاهش جرایم در کشور ما باشد. امام علی (ع) با اولویت بخشی به جرایم اقتصادی و انجام اقدامات پیشگیرانه، تأسیس نهادهای نظارتی، اتکا به گزارش‌های مردمی و در نهایت استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه، به مبارزه ای گسترده با مفسد اقتصادی موجود در جامعه خود دست زد. در کنار این مبارزه، تفاوت قائل شدن میان جرایم اقتصادی اشخاص خصوصی و جرایم ناشی از عملکرد والیان و امرا و اطرافیان آنها نکات قابل تأملی است که می‌تواند الگویی مناسب برای سیاستگذاران و برنامه ریزان نظام عدالت کیفری باشد. در این نوشتار برآنیم تا به بررسی ابعاد مختلف برنامه‌های امام در مبارزه با مفسد اقتصادی بپردازیم.

## کلید واژه‌ها:

مفاسد اقتصادی، اولویت بخشی، اقدامات پیشگیرانه، اقدامات سرکوبگرانه، اقدامات نظارتی.

### ۱. مقدمه

حضرت امیر و خط مشی ایشان در تشکیل و نحوه اداره حکومت اسلامی همواره بهترین الگو برای سیاستمداران و رهبران جوامع اسلامی بوده است. قلمروی گسترده حکومت امام و طیف گسترده مردمی که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کردند و نیز نحوه عملکرد خلفای پیشین موقعیتی خاص را به وجود آورده بود که امام را در معرض اتخاذ سیاستی برای مهار ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده قرار می‌داد. مطالعه سیاست‌ها و روش مبارزه امام با این ناهنجاری‌ها - که در رأس آنها مفاسد اقتصادی جامعه بود - می‌تواند ملاک عمل مؤثری برای سیاست جنایی کشورهایی باشد که داعیه حکومتی اسلامی دارند. کشور ما نیز به‌عنوان کشور اسلامی و شیعی، نظام حکومتی حضرت امیر را الگوی رفتارها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود قرار داده است. بی‌تردید برای حرکت بهتر در زمینه مهار فساد در نظام اقتصادی کشور، باید به بررسی سیره امام علی (ع) در این زمینه پردازیم تا با الگو قرار دادن خط مشی ایشان به حرکتی مؤثرتر در زمینه مفاسد اقتصادی دست یابیم.

### ۲. تبیین اوضاع و احوال

در آغاز حکومت امام علی، فسادانگیزی‌های برخی از امرا، به‌هم‌ریختگی اوضاع اقتصادی کشور و نیز دست‌درازی گسترده به بیت‌المال، پایه‌های محبوبیت حکومت دینی در بین اقشار مختلف جامعه را سست کرده بود. تبعیض و نابرابری جای عدالت نشسته بود و از حقوق مردم در بیت‌المال کسر می‌شد و بر دارایی‌های بعضی از صحابه و خاندان خلفا و اطرافیان آنها افزوده می‌شد.

به دلیل قدرت‌طلبی‌های گسترده‌ای که بویژه در دوران خلیفه دوم صورت گرفت، جامعه

اسلامی علاوه بر سرزمین حجاز، شامل امپراطوری گسترده ایران، شمال آفریقا و شامات و بین النهرین شده بود. (دانشنامه امام علی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۱۲۵) این ملت‌ها، هر کدام فرهنگی متفاوت داشت و اجرای احکام دینی در هر یک از آنها با مشکلاتی همراه بود و لذا حاکمان بخش‌های مختلف، شاهد بروز انحرافات و جرایم خلاف مذهب و تعالیم دینی بودند. از سوی دیگر، نظام حکومتی خلیفه پیشین با برتری بخشی به صحابه پیامبر و دادن سهم بیشتر از بیت‌المال به آنها و تقسیم مقام‌های حکومتی بر اساس روابط خویشاوندی، سبب به وجود آمدن جامعه‌ای فاسد و پرتبعیض شده بود. (پیشین: ۱۴۸) بنابراین می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین مسائلی که در سرزمین گسترده تحت حاکمیت امام به چشم می‌خورد، مفساد اقتصادی بود. سؤالی که با آن مواجهیم این است که امام چه سیاستی را برای مقابله با این پدیده شوم در نظر گرفت؟ در نظام حکومتی امیرالمؤمنین و در جامعه گسترده‌ای که از حجاز شروع می‌شد و تا انتهای مرزهای ایران را در می‌نوردید، پرداختن به کدام دسته از جرایم اولویت داشت؟ آیا بازوی کیفری نظام حکومتی امام علی، توان خود را صرف رسیدگی به جرایم خرد - نظیر مواجهه با کجروی‌های تازه مسلمانان - معطوف می‌کرد یا با اولویت دادن به بی‌عدالتی اقتصادی موجود در جامعه، بیشتر توان خود را صرف مبارزه با این گونه مفساد می‌کرد؟ به بیانی دیگر در جامعه جدید و گسترده اسلامی که مفساد اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی وجود دارد، مبارزه با کدام قسم از این مفساد از اولویت برخوردار است و پس از اولویت بخشی به نوع خاصی از جرایم، سیاست اتخاذی و نحوه مبارزه باید چگونه باشد؟

در تمامی نظام‌های عدالت کیفری، جامعه با مجموعه‌ای گسترده از بی‌نظمی‌ها، انحرافات و جرایم مواجه است، در حالی که امکانات آنها نیز به نسبت حجم جرایم و انحرافات محدود است. نیروی انسانی در اختیار حاکمیت و همچنین بودجه‌ها و امکانات اجرایی محدود، نظام عدالت کیفری را مجبور می‌کند تا به یک انتخاب دست بزند و از میان حجم گسترده جرایم و انحرافات موجود، رسیدگی به پراهمیت‌ترین‌ها را در اولویت قرار داده و تلاش‌های خود و نیروهایش را بر روی آن دسته از جرایم متمرکز سازد. امام در امپراطوری گسترده اسلام که به او سپرده شده بود، دقیقاً چنین شرایطی داشت و باید در میان حجم گسترده ناهنجاری‌ها

مهمترین و تأثیرگذارترین آنها را مهار می‌ساخت.

### ۳. تدابیر و اولویت‌های امام در رسیدگی به جرایم

پس از بیعت مردم با امام، ایشان رسیدگی به معیشت مردم و بازسازی توان اقتصادی شهروندان و مبارزه با کسانی که از موقعیت و منصب خود سوء استفاده‌های مالی می‌کردند را در دستور کار خود قرار دادند:

«بدانید آنچه از زمین و سایر اموال به دیگران اعطا شده به بیت المال باز می‌گردانم... حتی اگر ببینم که این اموال به مهر زنان رفته و در شهرها پراکنده شده، باز آنها را به حالت اول برمی‌گردانم». (نهج البلاغه، خطبه ۳۹ و ابن شهر آشوب، ۲: ۱۱۰)

امام، پس از مبارزه با ثروت و منصب‌های بادآورده اعراب ذی نفوذ و بازگرداندن اموال آنها به بیت‌المال، برابری اجتماعی و اقتصادی را در مورد عرب و عجم در دستور کار سیاست‌های خود قرار می‌دهد و بدین ترتیب نظم، عدالت و رضایت را در میان مردم زنده می‌کند:

«آگاه باشید که هر کس که دعوت خدا و رسول را اجابت و ملت ما را تأیید کند و دین ما را بپذیرد و قبله ما را قبله خود بشناسد، از حقوق اسلامی برابر برخوردار می‌شود.» (یعقوبی، ۲: ۹۴) امام نه تنها مهاجران و انصار را از زیاده‌خواهی منع کرد، بلکه مقابل توقع شهروندان عرب و برتری‌جویی‌های آنان نسبت به عجم، مقاومت نمود و این‌طور استدلال کرد:

«قرآن را خوانده و در آن خوب نگریسته‌ام؛ ولی ندیده‌ام که در آن فرزندان اسماعیل (اعراب) بر فرزندان اسحاق (غیر اعراب) حتی به اندازه بال‌پشه‌ای برتری باشد.» (بلاذری، ۲: ۱۴۱)

بدین سان، امام با توزیع عادلانه بیت‌المال، ابتدا زیرساخت‌های جامعه را - که سستی و گسستگی آن باعث به‌وجود آمدن بسیاری از جرایم در جامعه می‌شود - ترمیم کرده و مستحکم می‌سازد و در کنار آن، از ابزارهای سرکوبگر جزایی در میان صاحبان قدرت - که به دلیل مقام خود به اموال بیت‌المال دست‌درازی می‌کردند - استفاده می‌کند. به‌طور مختصر می‌توان گفت امام از سویی به ترمیم ساختارها و بسترهای اقتصادی جامعه در راستای پیشگیری از

جرم می‌پردازد و از سوی دیگر به مقابله کیفری با سوء استفاده از اموال عمومی اقدام می‌کند. سیاست اتخاذی امام از سویی پیشگیرانه است و از سوی دیگر سرکوبگرانه. در خصوص مبارزه امام با مفاسد اقتصادی که در این نوشتار به دنبال آن هستیم، می‌توان برنامه‌ها و سیاست‌های امام را در سه محور طبقه‌بندی و بررسی کرد.

## الف) اقدامات پیشگیرانه

### - شفافیت در میزان دارایی

فساد از جمله جرایمی است که معمولاً در خفا و به طور پنهانی اتفاق می‌افتد. اگرچه در جامعه‌ای که فساد در آن شیوع داشته باشد این امکان وجود دارد که فساد به طور علنی نیز اتفاق بیفتد، اما قاعده کلی آن است که هر قدر شفافیت بیشتری در ارائه خدمات عمومی وجود داشته باشد، امکان ارتکاب فساد کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، نظارت عمومی می‌تواند در کاهش احتمال وقوع فساد مؤثر باشد. (بهره‌مند، ۱۳۸۸: ۱۴۹) امام با انتخاب سبک زندگی متفاوت نسبت به خلفا و امرای پیش از خود و با نظارتی که بر رفتارهای اقتصادی خانواده خود دارد و نیز با محروم ساختن فرزندان لایق خود از سمت‌ها و مناصب حکومتی، گام نخست را در مبارزه با مفاسد اقتصادی برمی‌دارد. امام در میان مردم به نحوی زندگی می‌کند که میزان دارایی‌ها و اموال خود و خانواده اش در معرض دید همگان قرار دارد. ایشان در مورد میزان دارایی خود در قبل و بعد از حکومت می‌گویند:

«دخلت بلادکم باشمالی هذہ و رحلتی و رحلتی‌ها هی فان خرجت من بلادکم بغیر ما دخلت فانی من الخائنین»

«با این لباس‌ها وارد سرزمین شما شدم و بار و بنه ام همین است که می‌بینید. اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه آمده بودم بیرون روم، پس من از خیانتکاران خواهم بود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲).

امام علی (ع) هرگونه افزایش در دارایی‌های خود را در طول دوره زمامداری از مصادیق خیانت در امور مسلمین می‌شمارند (فاننی من الخائنین) بنابراین زندگی حاکم اسلامی باید به گونه‌ای

باشد که از شفافیتی شیشه‌ای در مقابل چشمان حساس و کنجکاو مردم برخوردار باشد و از هر گونه سوء ظن و افتزایی مبرا باشد.

البته باید به این موضوع توجه داشت که نظارت بر داری‌های مقامات حکومت باید چیزی بیش از یک شعار باشد و توسط یک نظام نظارتی قوی هدایت شود. همان چیزی که در این مقاله خواهیم گفت و در نظام حکومتی امام توسط مأمورن خاصی که به طور مخفیانه به سرزمین‌های مختلف سفر می‌کردند و از زندگی مسؤولان گزارش تهیه می‌کردند، دیده می‌شد. امروزه و به تناسب پیچیده شدن شرایط اجتماعی و راهکارهای گرایش به فساد، و همچنین با توجه به پیشرفت فناوری و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای نظارتی، باید با استفاده از سازوکارهای پیشرفته و هوشمند، به نظارت بر میزان داری‌های مسؤولان و خانواده آنها پرداخت؛ به صورتی که میزان داری‌های و نقل و انتقالات اموال آنها به صورت شفاف در مقابل دید مردم قرار گیرد و بدین سان، امکان و یا شائبه هرگونه فسادانگیزی در باب منافع و داری‌های عمومی از بین برود. این دقیقاً همان شرایطی است که در دوران زمامداری حضرت امیر بر جامعه حاکم بود؛ یعنی فاصله‌ای میان ثروت و داری‌های مسؤولان و ذهن و چشم مردم وجود نداشت و لذا کسی حتی سوء ظنی نیز نسبت به ثروت اندوزی امام، یاران و خانواده شان پیدا نمی‌کرد.

#### - زندگی کردن در سطح مردم

گذشته از آنکه امام خود شیوه ساده زیستی را برگزیده بود، به حاکمان و رعایای خود نیز مدام سفارش می‌کرد تا میان خود و مردم فاصله نینداخته و سبک زندگی خود را به گونه‌ای انتخاب کنند که موجب به ستوه آمدن تنگدستان نشود. امام در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: «ان الله فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعفه الناس کیلا یتبغ بالفقیر فقره» «خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

از دیدگاه امام اگر ثروت نزد هیئت حاکمه جمع شود، تنگدستان به ستوه و طغیان خواهند آمد. از سوی دیگر زندگی کردن در رفاه و به دور از دغدغه‌های مردم شهر از نظر امام نوعی

ناجوانمردی حاکم در حق افراد جامعه است، برای مثال امام در نامه‌ای سرزنش‌آمیز برای یکی از کارگزاران خود، با انتقاد از تن در دادن به مهمانی ثروتمندان و غفلت از همنشینی با مردم عادی به سبک زندگی خود اشاره کرده، می‌نویسند:

«آیا به این بسنده کنم که مرا امیرمؤمنان خوانند و در ناخوشایندهای روزگار شریک آنان نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

### - دقت در نحوه انتخاب کارگزاران

در میان تمامی نامه‌ها و توصیه‌ها و خطبه‌ها، نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر از اهمیتی ویژه برخوردار است. این نامه آموزنده هم از لحاظ مدیریتی و هم از لحاظ حقوقی قابل توجه است. آن حضرت در این نامه هم به پیشگیری از وقوع فساد و جرم توصیه کرده‌اند و هم به نحوه برخورد با فاسدان و غارتگران بیت المال اشاره نموده‌اند.

امام در قسمت‌هایی از نامه در مورد نحوه انتخاب کارگزاران می‌فرماید:

«فاستعملهم اختبارا» یعنی کارگزاران حکومتی ات را ابتدا بیازما و سپس به کار بگیر. همچنین توصیه می‌کنند که «در مورد نحوه انتخاب آنها با دیگران مشورت نما».

حضرت در مورد شرایط کارگزاران دولتی چنین می‌فرماید:

«کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان‌های پاکیزه و با تقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است.»

در جای دیگر در مورد خطر انتخاب کارگزاران زیرک و خیانتکار می‌فرماید:

«پس در انتخاب آنان هرگز به فراست و خوش بینی و خوش گمانی تکیه مکن؛ زیرا افراد زرنگ، راه جلب نظر و خوش بینی زمامداران را با ظاهرسازی و خوش خدمتی خوب می‌دانند در حالی که وای این ظاهر جالب هیچ گونه امانتداری و خیرخواهی وجود ندارد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

چنانکه می‌بینیم امام بر گزاره‌هایی نظیر زیرکی، ظاهرسازی، خوش خدمتی و در کنار آن، خطر

حسن ظن نابجا و فرصت‌سازی برای این گونه افراد تأکید دارد؛ چراکه در واقع جرم اقتصادی با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه و نیز با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبان و میزان اعتماد افراد به آنها ملازم‌ت دارد. این گونه بزه‌کاران برای جامعه بسیار خطرناکند، زیرا از قوانین مطلع هستند و استعداد و سازگاری اجتماعی بالایی دارند و افرادی انفجاری هستند (آبرند، ۱۳۸۷). همچنان که امام نیز پیش‌بینی می‌کنند، رسم امانتداری ندانسته و به دنبال کسب سود و پول هنگفت و اندوختن ثروت به نفع خود و ضرر دیگران هستند. بنابراین یکی از مهمترین اقدامات پیشگیرانه در مورد کارگزاران دقت در نحوه انتخاب آنهاست. در آیین انتخاب کارگزاران، تجربه (که همان علم انجام کارشناسانه امور است) باید با ویژگی امانتداری درهم‌آمیزد تا سازمان از خیانت آنان در امان بماند.

#### - پرداخت حقوق کافی و بی‌نیاز کردن کارگزاران

در نظام سیاسی امام، صرف انتخاب کارگزاران از میان افراد با تقوای جامعه برای رهایی از دست‌درازی به بیت‌المال کافی نیست، بلکه باید زندگی این افراد را به نحو مطلوبی تأمین کرد:

«سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام با انجام این اقدام پیشگیرانه - یعنی بی‌نیاز ساختن کارگزاران از حوایج معمول زندگی - احتمال دست‌درازی آنان را به بیت‌المال به شدت کاهش می‌دهد. در کلام دیگری از امام نیز بخوبی می‌توان حق و حقوق مشخص و شایسته‌ای که به کارگزاران اختصاص می‌یافته را مشاهده کرد:

«بدان برای تو در این زکات نصیب مشخص و حق معینی است... همان گونه که ما حق تو را چنان که باید و شاید می‌دهیم تو هم باید به حقوق آنان وفادار باشی» (نهج البلاغه، نامه ۲۶). امام از کارگزاران خود می‌خواهد همچنان که سهم آنها از زمامداری به صورت فراوان و مناسب



پرداخت می‌شود، آنان نیز در دادن حق و حقوق مردم کوتاهی نکنند و به همان‌سان که حواجی خود را برطرف‌شده می‌بینند، حواجی مردم را نیز برطرف سازند.

#### - استفاده از ابزار تشویق

در کنار ابزارهای تنبیهی و در راستای درونی کردن اخلاق حرفه‌ای کارگزاران، باید از ابزار تشویق نیز استفاده کرد. بنابراین با وجود پرداخت حقوق کافی به کارگزاران و در نظر گرفتن مزایایی ویژه برای آنها، برای آنکه انگیزه خدمت‌رسانی به مردم در میان آنها افزایش پیدا کند، امام به مالک فرمان می‌دهند که در کنار ابزار تنبیه، از تشویق نیز استفاده کند: «هرگز نباید نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشند که میل نیکوکار را در نیکی کم می‌کند و بدکردار را به بدی وا می‌دارد. هر یک از آنها را مطابق کاری که انجام داده‌اند پاداش و جزا بده» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بدین‌سان کارگزاران با برنامه و مسؤولیت‌پذیر، متوجه هوشیاری نظام و توجه آن به نحوه عملکرد آنها می‌شوند و انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت پیدا می‌کنند. در کنار آنها نیز کسانی که مایلند تا از طریق رفتن به راه خطا به دارایی بیشتری دست یابند، از سویی انتخاب مسیر مجرمانه را با مجازات همراه می‌بینند و از سوی دیگر طمع رسیدن به پاداش مسیر درست نیز آنها را بدرستی و انجام امور مردم تشویق و ترغیب می‌کند.

#### - تصفیه کامل تمامی کارگزاران دولت قبلی

از آنجا که والیگری و امیری در دوره‌های قبل از امام، بیش از هر کس دیگر شایسته اقوام و نزدیکان خلیفه بود و شایسته‌سالاری در انتخاب آنان هیچ نقشی نداشت، امام تصمیم گرفتند که به یک تصفیه اساسی در مورد کارگزاران خود دست بزنند؛ چرا که با وجود سابقه طولانی در وفاداری به آرمان‌های اسلام، به نظر می‌رسید اندیشه سوء استفاده از قدرت را دارند، به همین دلیل بود که امام تمام کارگزاران دولت عثمان را به جز اشعری برکنار کردند (یعقوبی، ۱۳۷۹، ۲: ۷۷).

- توصیه‌نامه‌های پیشگیرانه امام به فرماندهان و امرای سرزمین‌های مختلف اسلامی یکی از اصول حاکم بر پیشگیری از جرایم اقتصادی، اصل مداخله از طریق پیشگیری و تشریح اخلاق حرفه‌ای به مقامات دولتی است. این اصل در بند سوم ماده ۸ کنوانسیون مریدا (که مهمترین کنوانسیون موجود در مورد جرایم اقتصادی است) نیز گنجانده شده است. این اصل حاوی آموزش و آگاهی‌بخشی به مسئولان نسبت به نحوه عملکرد، نظارت، جرایم و مجازات‌های ناشی از تخلفات اقتصادی است. از نظر جرم‌شناسان، امروزه فرض بر بی‌اثر بودن مجازات است و اینکه بهتر است تا میان حرفه‌ها اطلاع‌رسانی شود تا با در کی بهتر، کمتر به ارتکاب جرایم دست بزنند (ابرند، ۱۳۸۷).

نامه‌های پیشگیرانه امام به فرماندارانش، در واقع در راستای ترویج اخلاق حرفه‌ای، آگاهی‌بخشی و نیز تهدید کارگزاران در مورد اقدام غیر حرفه‌ای و تخلف از خدمت و انجام وظیفه است. در تمامی نامه‌های امام به فرماندارانشان لحنی تند و قاطع از ایشان در مورد جلوگیری از هرگونه مال‌اندوزی و دست‌درازی به اموال عمومی به چشم می‌خورد. در این نامه‌ها، امام با توجه به شناختی که از شخصیت و روحیات فرماندار خود داشته، به نحوی نامه‌نگاری می‌کند و او را مورد عتاب قرار می‌دهد که از فسادانگیزی در اموال مردم بپرهیزد. این اقدامات امام در جایی که هنوز جرمی رخ نداده و تنها شائبه و گاهی احتمال بسیار اندکی در مورد چنین اقدامی وجود دارد، اقداماتی پیشگیرانه محسوب می‌شود که می‌توان آنها را توصیه‌نامه‌های پیشگیرانه امام برای مقابله با فسادانگیزی حاکمان دانست.

در این توصیه‌نامه‌ها، نکته‌هایی نظیر خشونت در نحوه سخن گفتن با کارگزاران، تهدید به خوار کردن و بی‌آبرو نمودن آنها و دستور مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در استفاده از اموال و جلوگیری از اسراف مشاهده کرد. در تمام آنها نیز امام مهمترین تأکید خود را در سخن گفتن با امرآ و والیان خود بر یک نکته متمرکز می‌کند: بیت‌المال و یادآوری آنکه این مال، امانت مردم است در دست آنها. توصیه‌نامه‌های پیشگیرانه امام را می‌توان در دو قسمت جداگانه بررسی کرد: یکی آگاهی‌بخشی‌های حضرت در مورد اقداماتی که انجام آنها تخلف و یا جرم محسوب می‌شود (پرورش اخلاق حرفه‌ای) و دیگری آگاه ساختن کارگزاران از مجازات اقدامات مجرمانه خود.

## ۱. پرورش اخلاق حرفه‌ای کارگزاران

چنان‌که در قسمت‌های مختلف این نوشتار - و در نامه‌های مختلف امام - دیده می‌شود، ایشان به مناسبت‌ها و شیوه‌های مختلف، به مواردی که انجام آنها از سوی کارگزار تخلف محسوب می‌شود، اشاره کرده‌اند. اسراف در استفاده از اموال بیت المال، باز نهادن دست نزدیکان در استفاده از آن، برداشت توجیه‌نشده از اموال عمومی، نداشتن حسابرسی منظم در مورد خزانه مسلمین، رانت و رانت خواری و ... نمونه‌هایی هستند که در نامه‌هایی که در این نوشتار آمده بخوبی می‌توان آنها را مشاهده کرد. امام در راستای ترویج اخلاق حرفه‌ای و با تذکر چنین مواردی تلاش می‌کند تا کارگزاران خود را نسبت به جرایم و تخلفات اقتصادی آگاه سازد.

رشوه یکی از مهمترین این مثال‌هاست. همچنانکه در جامعه ما نیز رایج است، یکی از آفات کارگزاری و امیری در دوره‌های قبل از امام، دریافت رشوه از دیگران تحت عنوان هدیه بود. امام در چندین نامه خود خطاب به کارگزارانش دریافت هر گونه هدیه‌ای را خیانت در امور مسلمین اعلام نموده و آنها را از این کار منع کرده بود و تهدید به برخورد می‌کرد. (صدوق، ۱۳۹۲: ۳۱۰) اگر کارگزاری مالی را تحت این عنوان دریافت می‌کرد، مال از او گرفته می‌شد و به بیت المال بازگردانده می‌شد و صرف منافع عام می‌گردید.

مثال دیگر در این مورد، مقوله رانت و رانت خواری است که ماهیت ضدارزش و تبعیض‌آمیز آن مانند دیگر جرایم اقتصادی روشن نیست. دهمین قسمت از نامه ۵۳ امام (ع) به مالک اشتر در واقع آگاهی‌بخشی حاکمیت به یکی از کارگزاران در مورد آسیب‌های رانت و زیان‌های اقتصادی آن و در واقع تقویت اخلاق حرفه‌ای یکی از بزرگترین حکمرانان منطقه است:

«همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگر هستند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمگر ایشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع و یا زراعت مشترک»

یکی از اصول مدیریتی امام، توجه ویژه به خانواده و اطرافیان خود و سایر زمامداران است.

به گونه‌ای که بیشتر هم گفتیم، تأکید امام بر آن است که به صورت ویژه بر عملکرد اطرافیان و نزدیکان نظارت شود، درباره نقض حق برابری از بیت‌المال با شدتی بیشتر با آنان برخورد شود، از رسیدن به مناصب دولتی محروم شوند و ... در این جا نیز می‌بینیم که امام به فرماندار خود سفارش می‌کند از اسباب خاص انتفاع آنها - که یکی از راه‌های آن انعقاد قرارداد و سپردن امور مردم به آنهاست - پیشگیری کند.

## ۲. آگاهی بخشی در مورد مجازات‌ها

گذشته از جرایم، مسؤولان باید نسبت به میزان و نحوه شدت عمل حاکمیت در برخورد با تخلفات آنان نیز آگاهی داشته باشند تا با سنجش میزان خطر جرم خود و با دیدن شدت عمل حاکمیت در برخورد، از خطا و تجاوز به اموال عمومی چشمپوشی نکنند. امام با عنایت به این مطلب، در شرایطی که هنوز هیچ‌گونه تخلفی از جانب فرمانداران صورت نگرفته، نامه‌های تند و تهدیدآمیزی خطاب به آنها نوشته‌اند:

۲. زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره بود. ابن عباس از طرف امام فرماندار بصره بود و بر حکومت اهواز و فارس و کرمان و دیگر نواحی ایران نظارت داشت. امام در یکی از نامه‌های خود به زیاد بن ابیه می‌نویسند:

«و انی اقسام بالله قسما صادقا لئن بلغنی انک خنت من فیء المسلمین شیئا صغیرا او کبیرا لاشدن علیک شده تدعک للیل الوفر ثقیل الظهر ضئیل الامر» (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

«همانا به خدا سوگند می‌خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی کم یا زیاد چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی»

نامه امام (ع) بسیار کوتاه است؛ اما از چنان صلابتی برخوردار است که راه را بر هرگونه نافرمانی و پیمان شکنی و دست‌درازی به بیت‌المال می‌بندد. این منش امام (ع) در نامه نوشتن و صحبت کردن با حاکمان نشان‌دهنده قاطعیت و نیز حساسیت مسئله بیت‌المال است؛ چرا که از دیدگاه ایشان، بیت‌المال مسلمین امانتی در دست حاکم است و اگر این چنین سخن

نگوید نمی‌تواند جلوی غارت آنان را بگیرد.

- پس از پایان جنگ جمل و نبرد با زیاده‌خواهان از بیت المال، امام (ع) نامه‌ای به اشعث ابن قیس فرماندار آذربایجان می‌نویسند:

«همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن تو است. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام کنی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری؛ امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۵).  
لحن تهدیدآمیز ایشان در پایان نامه باز هم نشان از قاطعیت و انعطاف‌پذیر نبودن در زمینه بیت‌المال دارد.

### ب) تدابیر نظارتی امام

نظارت بر کارگزاران خدمات عمومی و خصوصی توسط نهادهای نظارتی باعث پاسخگوتر شدن این افراد شده و امکان ارتکاب فساد را کاهش خواهد داد. چنانچه برای ارائه‌دهندگان خدمات، این احساس ایجاد شود که تحت کنترل نهادهای نظارتی هستند و در صورت تخلف، جرایم آنها کشف و ضمانت‌اجراهای رسمی و غیررسمی‌ای در مورد آنها اتخاذ خواهد شد، یا از ارتکاب فساد منصرف شده یا این که حداقل ارتکاب آن هزینه‌های بیشتری برای آنها در بر خواهد داشت (بهره‌مند، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

### - شیوه نظارت بر فعالیت‌های کارگزاران

با وجود به کار گماردن کارگزارانی کارکشته، متقی، بی‌نیاز و بسیار با اعتماد، و نیز با وجود تمام تدابیر پیشگیرانه صورت گرفته، هنوز هم نگرانی‌های امام (ع) نسبت به حفظ اموال بیت‌المال ادامه دارد و برای پیشگیری چنین امر می‌کند:

در نامه‌ای به مالک بن کعب یکی از فرمانداران خود به وی دستور می‌دهد که شخصی را به جای خویش گذاشته، خود با شماری از یارانش به سواد عراق برود و درباره کارگزاران حضرت

رفتار و عملکرد آنان در فاصله بین دجله و عذیب تحقیق کند؛ سپس به محل حکومت خویش باز گردد و گزارش رفتار کارگزاران را به وی بدهد. (یعقوبی، ۱۳۷۹ ج ۲: ۲۰۴)

در حال حاضر و در مباحث مربوط به نظارت و مهار فساد، نهادهایی در کشورهای مختلف دنیا به عنوان بازرسان ویژه فعالیت می کنند. این نهاد از افراد یا انجمن هایی با اختیارات بسیار کلی تشکیل شده که به آنها امکان می دهد طیف وسیعی از شکایات را دریافت نموده و رسیدگی کنند. جاسوسان، در نظام حکومتی امام علی، همین نقش را ایفا می کردند.

امام، نه تنها خود در به کار گماردن بازرسان ویژه جهت نظارت بر عملکرد کارگزاران اصرار دارد، بلکه از امرای نواحی مختلف نیز می خواهد تا بر کارگزاران زیر دست خود جاسوسانی بگمارند:

«سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار»

در صورتی که مسؤولان خود را زیر ذره بین و تحت تسلط و نظارت نامحسوس مقامات مافوق خود بدانند، بر میزان امانتداری آنها افزوده می شود:

«مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود»

(نهج البلاغه، نامه ۵۳).

با توجه به سیره امام در نظارت و واری نامحسوس مقامات حکومتی جامعه، به نظر می رسد وظیفه حکومت اسلامی - در درجه اول - نظارت قدرتمندانه بر عملکرد کارگزاران حکومتی است. با توجه به این الگو باید در جامعه خود، به جای گماردن بازرس و لباس شخصی ها در بین مردم و تجسس در امور شخصی افراد، به سیره پیامبران و ائمه، از لباس شخصی ها و جاسوسان ویژه برای حاکمان استفاده کنیم.

#### - نظارت ویژه بر اطرافیان و عدم اعتماد به آنان

گذشته از نظارتی که حاکم باید بر کارگزاران خویش داشته باشد، این نظارت باید در مورد اعضای خانواده و اطرافیان والی دو چندان باشد:

«اعوان و انصار خویش را سخت زیر نظر بگیر. اگر یکی از آنان به خیانت دست زد و مأموران

مخفی تو به اتفاق چنین گزارشی دادند به همین مقدار از شهادت بسنده کن و ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

چنان که می‌بینیم درباره نزدیکان، سختگیری به حدی است که حتی نیازی به تشریفات نیست و تردیدهایی که در مورد جرم سایر افراد صورت می‌گیرد، در اینجا مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

### - نظام گزارش دهی مردمی

یکی از مهمترین عوامل کشف جرم، اتکا و استناد به گزارش‌های مردمی است. در نظام حکومتی امام نیز با وجود تمامی تدابیر به کار گرفته شده و جاسوس‌های کارگشته، باز هم در مورد جرایم مربوط به یقه‌سفیدها، گزارش‌های مردمی یکی از مهمترین منابع نظارتی امام تلقی می‌شدند. در حکومت امام، سه روش برای رسیدگی به شکایات مردمی از نهادهای حکومتی وجود داشت:

#### ۱) گزارش مستقیم به امام

روش نخست، گزارش و دادخواهی رودررو با امام بود. یکی از شواهد تاریخی این روش، برکناری منذر (یکی از کارگزاران حضرت) به دلیل گزارش سود همدانی است. سود نزد حضرت آمد و از عامل و کارگزار وی شکایت کرد و گزارشی از رفتار او به امام ارائه داد. حضرت پس از بررسی گزارش، نامه‌ای به وی نوشت و به سود داد که در آن کارگزار خویش را سرزنش و از کار برکنار کرد (نهج البلاغه، نامه ۷۱). این نشان‌دهنده آن است که نظارت حضرت بر رفتار کارگزاران خود تنها از طریق رسمی نبوده، بلکه به صورت غیررسمی و با تکیه بر گزارش‌های افراد عادی و مورد اعتماد نیز بر عملکرد آنان نظارت داشته است.

#### ۲) قضای مظالم

یکی از نهادهای قضایی نظام حکومتی امام، که عمدتاً مربوط به مفاسد و تخلفات اقتصادی

کارگزاران بود، نهاد قضای مظالم بود. هدف از ایجاد این نهاد، تحقیق و تفحص در مورد تظلمات و شکایات مردم از کارگزاران حکومتی - اعم از امیران سپاه و عاملان خراج، بیت المال و سایر امور اداری و قضایی - بود (مهاجر نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۸). مردم چنانچه از کارگزاری شکایت داشتند، با مراجعه به این نهاد آن را مطرح می کردند و مأموران مظالم به آن رسیدگی می کردند. قضای مظالم برای نخستین بار در نظام حکومتی امام علی پایه گذاری شد. (ماوردی، ۱۴۰۶: ۷۸)

### ۳) بیت القمص

گذشته از دو روش فوق، برای نهادینه کردن فرهنگ گزارشدهی و گسترش سیستم نظارتی، امام نهادی به نام بیت القمص تأسیس کرد که زمینه دریافت شکایات و تظلمات مردمی را فراهم می آورد. کسانی که به هر دلیل نمی خواستند به صورت شفاهی بر ضد کارگزاران شکایت کنند، شکایت خود را می نوشتند و در آن مکان قرار می دادند. بدین ترتیب امام از آن آگاهی می یافت و به مأموران مخفی خود دستور پیگیری می داد.

### - حسابرسی از خزانه های محلی

در یک نظام ضد فساد، حسابرسی ها و حسابرسیان - همانند بسیاری از تمهیدات پیشگیرانه - از طریق خطرناک و مشکلتر کردن فساد، از وقوع آن جلوگیری می کنند. بنابراین حسابرسی یک فرایند نظارتی است که نقش پیشگیرانه مؤثری را ایفا می کند. میزان گستردگی و درجه تفصیل حسابرسی ها متنوع است، اما در مجموع باید به طور کامل، دقت و سلامت اقدامات انجام شده و سوابق نگهداری شده را مورد ارزیابی قرار دهند. هدف اصلی از انجام حسابرسی، تأیید سوابق، فرایندها و یا اقدامات نهادی است که از استقلال کافی درباره موضوع حسابرسی برخوردار است؛ به گونه ای که به اقدامات جانبدارانه مبادرت نمی ورزد و یا دچار تأثیرپذیری های ناشایست نمی شود. (بهره مند، ۱۳۸۸، ۱۵۶)

امام نیز برای جلوگیری از ارتکاب اقدامات فسادانگیز و نظارت بر فرایند ورودی و خروجی خزانه های محلی، از نهاد حسابرسی در این زمینه استفاده می کرد، بدین شکل که یکی از



وظایف حاکمان مناطق محلی، ارسال گزارش میزان ورودی و خروجی خزانه‌داری‌های محلی و مالیات‌های دریافتی از مردم و هزینه‌های پرداختی در منطقه بوده است. حاکمان وظیفه داشته‌اند که به صورت معین این گزارش‌ها را برای امام ارسال کنند (علامرودشتی، ۱۳۸۰، ۶۷). در نامه‌های مختلف امام به کارگزاران مناطق مختلف، جمله «ارفع الی حسابک» (گزارش حساب‌ها و عملکرد خود را برایم بفرست) دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

گزارش‌ها به دقت مورد بررسی قرار می‌گرفت و با آمار و ارقامی که توسط مأموران و حساب‌رسان ارسالی حضرت صورت می‌گرفت بازبینی می‌شد و در صورتی که اختلافی میان آنها بود، حضرت از کارگزار خود توضیح می‌خواست و اگر حساب‌سازی او به اثبات می‌رسید، بازوی کیفری نظام حکومتی امام به استقبالش می‌رفت:

«ای زیاد! به خدا سوگند تو دروغ گفته‌ای و اگر خراج و مالیاتی را که از مردم گرفته‌ای کامل نزد ما نفرستی بر تو بسیار سخت خواهیم گرفت و مجازات سختی خواهی دید» (بلاذری، ۱۴۱۶: ۳۹۰ و یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

### ج) تدابیر جزایی

پس از انتخاب هوشمندانه و درست کارگزاران، رعایت اصل اخلاق حرفه‌ای، پرداخت حقوق کافی به آنها و نیز انجام سایر تدابیر پیشگیرانه، چنانچه بررسی‌های جاسوسان امام، یا گزارش‌های مردمی و یا محاسبه کارشناسان دیوان‌های محاسباتی حکایت از ارتکاب جرایم اقتصادی والیان داشت، اقدامات سرکوبگرانه امام نسبت به حاکمان آغاز می‌شد:

«پس از خدا بترس و اموال آنان (فقیران و یتیمانی که مالشان به تاراج رفته بود) را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم تو را کیفر خواهیم کرد که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید» (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

۱. برای مثال بنگرید به نامه ۴۰.

### - سختگیری بیشتر در برخورد با یاران نزدیک و اطرافیان

در گام اول مبارزه، امام با نحوه برخورد با عقیل پسر عمو و یکی از دخترانشان نشان دادند که در راه این مبارزه، دوست، خویشاوند و دشمن برایشان حکمی واحد دارند، برای مثال امام در یکی از نامه‌های خود خطاب به کسی که در مورد اموال بیت المال دست و دلبازی به خرج داده می‌فرمایند:

«سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده نابود سازم» (نهج البلاغه، نامه ۴۳).

حتی در نظام سیاست جنایی امام، سختگیری حاکمیت با نزدیکان، اقوام و یاران، سختگیرانه‌تر و شدیدتر از سایر افراد است. امام در بخش‌هایی از عهد نامه مالک به او دستور می‌دهند که اگر خیانت یکی از یاران نزدیکش بر او معلوم شد چنین رفتار کند:

«و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

### - نوع مجازات‌های جرایم اقتصادی

مجازات‌هایی که امام برای دست درازی به اموال بیت المال در نظر می‌گیرند چنین است:

- شلاق و مجازات‌های بدنی «فبسطت علیه العقوبه فی بدنه».

- برکناری کارگزار و باز پس گیری کلیه اموالی که در اختیار گرفته است.

- خوار کردن و بی آبرو کردن "و قلده عار التهمه".

قسمت انتهایی کلام امام در مورد خوار و بی آبرو کردن آنان، یکی از مبانی استفاده از مجازات

تشهیر در مورد دولتمردانی است که به جرایم اقتصادی روی می‌آورند. این مجازات در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران پیش‌بینی شده است. نکته قابل تأمل آنکه جلوتر هم به

آن اشاره خواهیم نمود، اینکه امام در مورد اشخاص غیردولتی که مبادرت به جرایم اقتصادی می‌کنند، چنین مجازاتی را وضع نمی‌کنند و تشهیر را تنها در مورد کارگزاران و نیز اطرافیان و نزدیکان آنها که از اموال بیت المال و موقعیت به‌دست آمده سوء استفاده می‌کنند، جایز می‌دانند.

#### – دقت عمل در مورد گزارش‌های رسیده و عدم شتابزدگی در کیفر

با وجود آنکه جاسوسان امام از بین افرادی متعهد انتخاب می‌شدند و امکان سوء استفاده و دروغ‌پردازی آنها کم بود، ولی صرف ارائه گزارش از سوی جاسوسان و یا حساب‌برسان موجب آن نمی‌شد که حضرت واکنش نشان داده و کارگزار خود را توبیخ کند. امام پس از اظهارات جاسوسان، به بررسی دقیق گزارش آنان می‌پردازد. ایشان در نامه‌ای تند خطاب به یکی از فرمانداران خود، بعد از توضیح اتهاماتی که به وی نسبت داده شده و مجازاتی که عمل وی در پی دارد می‌نویسند: "اگر این گزارش‌ها درست باشند..." (نهج البلاغه، نامه ۷۱) و در پایان نیز از فرماندار خود می‌خواهند که "چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا" تا در مورد اقدامات خود توضیح داده و از خود دفاع کند.

یکی از توصیه‌های امام به والیان مناطق مختلف این است که به محض مشاهده تخلفات مالی نزدیکان و اطرافیان، بدون رعایت تشریفات خاص به جرایم آنها رسیدگی کنند. با این حال در اینجا نیز امام اجازه نمی‌دهد که صرف سوء ظن به آنها موجب برخورد با آنان شود، بلکه باید ادله اثبات به‌نحوی برای حاکم ایجاد علم کند. یکی از روش‌های امام جهت ایجاد علم، گماردن مأموران مخفی متعدد برای بررسی صحت یک اتهام است و در صورتی که تمام مأموران مخفی به آن شهادت دهند، علم حاصل می‌شود و می‌توان او را محاکمه کرد:

«اگر یکی از آنها (نزدیکان) دست به خیانت زد و مأمورین مخفی جمله به آن گواهی دادند...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

### - توجه به کارآمدی مجازات و جنبه اصلاح‌گرایانه آن

از نظر امام، تنبیه و مجازات باید درست، به اندازه و متناسب با اقدام مجرم باشد تا تأثیر مثبت و بازسازانه داشته باشد: «افراط در سرزنش میزان لجاجت را افزونتر می‌سازد» (آمدی، ۱۳۷۷: ۱۶).

امام متناسب با نوع جرم ارتكابی و ویژگی‌های شخصیتی مجرمان به مجازات آنها اقدام می‌کرد. بعضی را فقط با نوشتن نامه سرزنش آمیز و بعضی را با برکناری از کار و بازپس‌گیری اموال و خوار کردن در میان جمع (تشهیر) و استفاده از مجازات‌های بدنی تنبیه می‌کرد. برای مثال، هنگامی که عثمان بن حنیف فرماندار بصره اشتباه کرده و به تعبیر امام، به مهمانی ثروتمندان رفت و رعایای فقیر و گرسنگان را از یاد برد، (علامرودشتی، ۱۳۸۰، ۶۶) با نوشتن نامه‌ای تند به سرزنش او پرداختند. با توجه به نوع جرم صورت گرفته از سوی عثمان و نیز به دلیل رابطه‌ای که او با امام داشت، نوشتن نامه‌ای با این جملات سنگین و عتاب‌آمیز، برای عثمان بسیار شکننده و تأثیر گذار بود. امام در مورد عثمان به همین حد بسنده کردند، در حالی که در مورد منذربن جارود و برخی دیگر از کارگزاران، اقدام به برکناری و اعمال مجازات‌های بدنی و تشهیر نمودند.

### ۳. رویکرد امام در مبارزه با جرایم اقتصادی سرمایه‌گذاران

در سیاست جنایی امام علی (ع)، استفاده از شداد و غلاظ کیفی در مورد جرایم اقتصادی بر دو مبنا استوار است:

شدت عمل در برخورد با حاکمان و نیز عدم زیاده روی در برخورد با سرمایه‌گذاران امام در بخش‌هایی از نامه مشهور خود به مالک، پس از آنکه در مورد بازرگانان و ضرورت وجود آنان در جامعه سخن می‌گوید، به خطر وجود احتکار در جامعه و سوء استفاده و یکه‌تازی بازرگانان در عرصه فروش اشاره می‌کند:

«این را هم بدان که در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکار

۱. بنگرید به نامه ۴۵ نهج البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف انصاری.

کننده‌اند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند»

امام پیش از هر چیز، وجود این سودجویان را یکی از نشانه‌های سوء مدیریت و ناتوانی زمامدار جامعه می‌داند: «این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است»

بعد از برشمردن آسیب‌های وجود احتکار در مورد نحوه برخورد با آنان می‌فرمایند: «پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد؛ با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او زیاده روی نکن»

نکته تأمل برانگیز قسمت آخر کلام امام، حاکی از آن است که در مبارزه با مفاسد اقتصادی و در سیاست‌های تعیین کیفر برای جرایم اقتصادی باید تمام ابعاد حاکم بر مسئله بررسی شود و نحوه مبارزه نباید به گونه‌ای باشد که به تشکیلات اقتصادی جامعه آسیب وارد کند و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد.

با مقایسه دستور امام نسبت به مجازات کارگزاران حکومتی و پس از آن، مجازات بازرگانان محتکر، مشاهده می‌شود که امام در یک مورد به مجازاتی بسیار شدید توصیه می‌کند (حتی امر به تشهیر می‌نمایند) و در جای دیگر تنها توصیه به تنبیه شده و اشاره به اینکه هرگز در مجازات او افراط نشود. حتی اشاره‌ای به خوار کردن آنها و استفاده از مجازات‌هایی که برای دولتمردان توصیه کرده بودند، نشده است. به نظر می‌رسد علت این مسئله آن باشد که در مبارزه با سرمایه‌گذاران و بازرگانان، اگر مجازات‌های شدید و خشن وضع شود، سبب ترس آنها از سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش آن و خروج سرمایه از کشور می‌شود. این در حالی است که کارگزاران به اموال عمومی دستبرد زده‌اند و به ملت و دولت که آنها را امین دانسته‌اند پشت کرده و خیانت ورزیده‌اند.

بنابراین باید در نحوه مجازات سرمایه‌گذاران ظرافت به خرج داد و آنچه مؤید این ادعاست،

جملاتی است که امام در چند سطر پیش از دستور خود مبنی بر مجازات محترمانه به مالک می‌گوید. ایشان در این توصیه‌ها، به لزوم وجود بازرگانان در جامعه و نقشی که در تأمین وسایل زندگی و معاش مردم دارند اشاره می‌کنند و آنها را منابع اصلی منفعت می‌دانند.<sup>۱</sup> پس همچنان که حاکم در مورد جرایم اقتصادی سختگیری به خرج می‌دهد، باید در مورد عوامل رونق‌دهنده به اقتصاد، امنیت ایجاد سرمایه‌گذاری و فراهم آوردن محیطی مناسب برای جذب و جلب سرمایه‌گذاران نیز سیاست‌گذاری‌های لازم را اعمال کند.

#### ۴. جمع بندی و نتیجه گیری

در نظام حکومتی امام علی (ع) مبارزه با فساد بر مبارزه با بسیاری از دیگر جرایم، نظیر جرایم خرد و جرایم اخلاقی ارجحیت داشت، به گونه‌ای که آنچه امام و شلاق و شمشیرش را به عرصه اجتماع می‌کشاند، نه هدایت و ارشاد در زمینه جرایم خرد، که نظارت و کنترل و قطع تجاوز به بیت‌المال بود.

هر چند کارگزاران امام از افرادی مورد اعتماد و دارای سابقه‌ای روشن در علم و دین و توانای انتخاب شده‌اند، با این حال، اعتماد خطرناک است و باید همواره تحت نظر باشند. این نظارت باید از سه طریق صورت گیرد: ۱. گزارش‌های رسمی خود آنها و نظارت بر آن توسط افراد خبره ۲. گزارش‌های نامحسوس نیروهای ویژه آموزش دیده و مورد اعتماد ۳. گزارش‌های مردمی که به شیوه رودررو، یا از طریق نهادهای بیت‌القصص و مظالم جمع‌آوری می‌شد.

- یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی و نظارتی امام نسبت به عملکرد امرا و والیان، فرستادن جاسوس‌های مورد اعتماد و باتجربه به مناطق تحت حکمرانی آنان بوده است. گزارش‌ها و شواهد تاریخی حاکی از آن است که نظارت‌های خاص و تجسس‌آمیز امام بر زندگی و فعالیت‌های مسؤولان بوده و نه امور خصوصی و حتی عمومی شهروندان.

- در صورتی که یکی از کارگزاران به اموال عمومی تجاوز کند و این مطلب به اثبات برسد، امام به شدت با او برخورد می‌کند و علاوه بر برکناری از سمت و مجازات‌های بدنی، او را در

۱. "فانهم مواد المنافع"

میان مردم رسوا و بدنام می‌کند (مجازات تشهیر)، باین حال، هنگامی که سرمایه‌گذاران و تاجران دچار مفاسد اقتصادی نظیر اختلاس و ... می‌شوند، شدت مجازات‌های اعمال شده از سوی امام کاهش می‌یابد؛ چرا که این افراد قطب اقتصادی را در اختیار دارند و مجازات نباید به گونه‌ای باشد که آنها را از ادامه فعالیت‌های اقتصادی خود منصرف سازد. امام در راه مبارزه با فساد، توجه ویژه‌ای به زندگی شخصی خود، خانواده و اطرافیانش دارد و بدین ترتیب، نخستین گام‌ها را در مبارزه با فساد برمی‌دارد. در زندگی شخصی، صورت‌داری‌هایش برای مردم کاملاً شفاف و مشخص است. از سپردن امیری و والیگری و زمامداری به فرزندان و نزدیکان خود پرهیز می‌کند و در صورتی که یکی از اطرافیانش دچار لغزش در امور بیت‌المال شود، به جای مسامحه با شدت بیشتری با او برخورد می‌کند. علاوه بر همه اینها، به خود و حاکمان بلاد مختلف امپراطوری گسترده خود اجازه نمی‌دهد تا از رانت استفاده کرده و معاملات پرمنفعت را به اطرافیان و دوستان خود واگذار کنند.

## منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۸۲) ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ابن شهر آشوب (۱۳۷۹) مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه.
- آمدی، عبد الواحد، (۱۳۶۰) غرر الحکم و درر الکلم، شرح خوانساری، تحقیق میر جلال الدین محدث ارموی، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷) بیروت: انساب الاشراف.
- سرکشیکیان، سید محمد حسین (۱۳۸۶) بایسته‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی قوه قضاییه.
- صدوق (۱۳۹۲) ثواب الاعمال، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحار الانوار، ج ۱۰۱ بیروت: مؤسسه الوفاء.
- نجفی ابرند آبادی (۱۳۸۶-۸۷) حقوق کیفری اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، نیمسال نخست.

- یعقوبی، احمد ابن یعقوب (۱۳۷۳) **تاریخ الیعقوبی**، قم.
- ..... (۱۳۸۰) **دانشنامه امام علی**، جلد دهم (سیره)، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ..... (۱۳۸۰) **دانشنامه امام علی**، جلد ششم (سیاست)، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ..... (۱۳۸۴) **تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقای سلامت در نظام اداری**، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.